

## معرفی کتاب دُزستان؛ یک تاریخ طبیعی

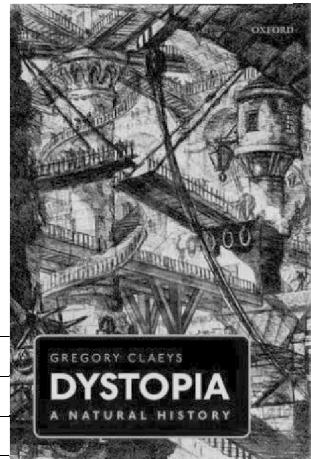
مهرناز شیرازی عدل

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی mshiraziadl@gmail.com

کتاب دُزستان؛ یک تاریخ طبیعی به قلم گریگوری کلیز<sup>۱</sup>، استاد رشته تاریخ تفکر سیاسی دانشگاه لندن در سال ۲۰۱۷م. از سوی انتشارات آکسفورد منتشر شده است. این کتاب به گواه وبسایت آکسفورد اسکالارشیپ<sup>۲</sup> نخستین تکنگاری ای است که تاکنون به معرفی مفهوم دُزستان اختصاص یافته است. در ابتدا ذکر این نکته ضروری است که دُزستان، برگردان پیشنهادی داریوش آشوری است، برای اصطلاح Dystopia که در اصل واژه‌ای یونانی و متشکل از دو جزء dus و topos است که اولی به معنای بد و ناهنجار، دومی به معنای جا و مکان و درمجموع به معنی جای نامطلوب و مکانی ناخوشایند است.

کلیز، نویسنده کتاب که آرمان شهرگرایی<sup>۳</sup> از حوزه‌های مطالعاتی موردنظر علاقه اوست، در سال ۲۰۰۲م. جایزه پژوهشگر ممتاز لایمن تاور سارجنت<sup>۴</sup> را از سوی انجمن مطالعات آرمان شهری شمال امریکا<sup>۵</sup> دریافت کرده و در سال ۲۰۱۶م. نیز به عنوان رئیس انجمن مطالعات آرمان شهری اروپا<sup>۶</sup> برگزیده شده است. دل مشغولی مطالعاتی او در حال حاضر بررسی تخریب فاجعه بار محیط زیست و راههای مقابله با آن است. وی که مطالعات گستردگای در زمینه آرمان شهر داشته، بر این باور است که دُزستان مفهومی است که در تقابل با آرمان شهر یا Utopia شکل می‌گیرد. از دید او با اجرای موبهموی قوانین و قواعد شکل دهنده آرمان شهر شکل گیری دُزستان اجتناب ناپذیر می‌نماید. بر این اساس بر اکثر آرمان شهرهایی که تاکنون از آن‌ها سخن رفته، قوانینی حاکم است که مردمان را از لحاظ تفکر و ظاهر به یکدیگر شبیه می‌سازد، فردیت آن‌ها را محو و ناچیز کرده، تنوع و تفاوت میان آن‌ها را کمینگ می‌کند و همین قوانین به تدریج راه را بر بروز خود کامگی باز می‌کند؛ مثلاً در شهر خورشید<sup>۷</sup> (۱۶۲۳م.) اثر توماسو

- Claeys, Gregory (2017). *Dystopia: A Natural History*. Oxford University.



کامپانلا<sup>۸</sup> که نخستین آرمان شهری است که پس از آرمان شهر سرتامس سور<sup>۹</sup> شرح آن رفته است، قوانین خاصی بر روابط میان زنان و مردان حاکم است. با این حال نباید پنداشت که تمامی آرمان شهرها موحد دژستان اند. آرمان شهرهایی هم هستند که در آنها گردن نهادن فرد به قوانین گروه و پیوستن افراد به گروه بر اساس میل آنها و با رضایت ایشان صورت می‌گیرد، اما به طور کلی از دید کلیز آرمان شهر و دژستان نقاط اشتراک زیادی با یکدیگر دارند، به حدی که گویی همزاد یکدیگرند و از یک مادر زاده شده‌اند.

البته از دید خوانندگانی که با عائق و گرایش‌های ادبی به سراغ این مفهوم می‌روند، دژستان فقط یک جا امکان بروز پیدا می‌کند و آن در رمان دژستانی<sup>۱۰</sup> است که ترسیم‌کننده چیرگی وضعیتی بهشت منفی و شر است و رمان ۱۹۸۴<sup>۱۱</sup> اثر جرج اورول<sup>۱۲</sup> و دنیای قشنگ نو<sup>۱۳</sup> از آلدوس هاکسلی<sup>۱۴</sup> بهترین نمونه‌های آن به حساب می‌آیند. با این حال همان‌طور که روث لویتس<sup>۱۵</sup> اشاره می‌کند، دژستان‌ها ضرورتاً فرم داستانی ندارند، چراکه هیچ‌یک از پیش‌بینی‌هایی نظری زمستان‌هسته‌ای، ترس از عواقب تخریب جنگل‌های بارانی، سوراخ شدن لایه ازن، اثر گلخانه‌ای و آب شدن بیخ‌های قطبی اساساً داستان و خیال نیستند، بلکه حقایقی هستند که در جهان امروز با اثرات ویرانگر آن‌ها مواجهیم.

نویسنده در توجیه عنوان فرعی کتاب؛ «یک تاریخ طبیعی» نیز چنین استدلال می‌کند که این وضعیت «طبیعی» اصولی روانی ماست که اضطراب مداوم را برای مان در پی می‌آورد. اصولاً دژستان بهمثابة یک وضعیت روان‌شناختی، نقطه‌آغاز بشریت بوده است. شاید امروزه بسیاری از ما نسبت به نیاکان مان ترس‌های کمتری داشته باشیم، ولی واقعیت این است که ترس‌های طبیعی

## اویات و هنر

سال دوم، شماره ۷ و ۸  
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۲۶۱

ما به تدریج به صورت‌های پیچیده‌تر اجتماعی تغییر شکل داده است و در نتیجه ما امروز خود را گونه‌ای به لحاظ ذهنی، شکننده و آسیب‌پذیر می‌دانیم. ترس از جمله عواطفی است که شالوده رفتار ماست و تعدادی از عواطف اساسی ما بر اساس نوع جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، تکامل پیدا می‌کند. روزگاری وجود آدمی آکنده از ترس از خدایان، غول‌ها، هیولاها و ارواح شریبر بود. امروزه پاره‌ای از این ترس‌ها به تدریج از میان رفته و پاره‌ای دیگر با ترس از علم و تکنولوژی جایگزین شده است؛ اموری که خود اختراع‌شان کرده‌ایم و می‌ترسیم از روزی که دست‌سازه‌ای خودمان یعنی ماشین‌ها بر ما چیره شوند.

به‌این ترتیب کلیز جهان انسان اولیه را جهانی پاراونه‌ید و مبتنی بر توهمندی داند که آکنده از ترس‌های بی‌شمار است و ساکنان این جوامع ابتدایی جهت پرهیز از ترس‌ها و خطرات احتمالی که تهدیدشان می‌کرد، می‌باشد برای انجام هریک از امور روزمره‌شان (از ازدواج گرفته تا وضع حمل و مرگ) به قوانینی تن در می‌دادند و همین قوانین از دید او دُزِستانی می‌ساخت که قواعد سختی را بر اعضا‌یش تحمیل می‌کرد. سایر مواردی که در طول تاریخ پیش‌نمونه‌هایی برای دُزِستان محسوب می‌شوند، عبارت بوده‌اند از: جوامع نظامی و جنگ‌محور (نظیر اسپارت در دوران باستان)، نظام برده‌داری (که در بسیاری از جوامع باستان رواج داشت و شکل رشدیافتۀ آن را می‌توان در سرزمین‌های تحت استعمار انگلستان، اسپانیا و پرتغال سراغ گرفت و حتی اشکال جدید آن را در دوره مدرن می‌توان، در حکومت‌های آلمان نازی، اتحاد جماهیر شوروی تحت سلطه استالین و تعدادی دیگر از «حکومت‌های برده‌داری مدرن» مشاهده کرد)، نظام‌های استبدادی (که از دیدگاه ارسطو در کتاب اخلاق نیکوماخوس اساس و پایه حکومت در آن‌ها به جای دوستی، بر ترس و بیگانه‌سازی استوار بوده است)، زندان (که با شکنجه و کار اجباری و اردوگاه‌های مرگ همراه بود و آشوبیس<sup>۱۵</sup> تجسم کامل آن بود؛ گتوها و اردوگاه‌های انگلیسی در افریقای جنوبی در خلال جنگ بوئرا نیز از دیگر موارد آن به شمار می‌رفتند) و سرانجام، راندن و طرد کردن افراد به دلیل بیماری و یا به دلایل دیگر و قرار دادن آن‌ها در محدوده دسته‌بندی‌های مشخصی (نظیر جذامیان، جادوگران و ملحدان). پیداست که همان‌طور که در حضور ترس‌های طبیعی مان به حیات خود ادامه می‌دهیم، ترس‌های دیگری را نیز که به‌طور اجتماعی شکل گرفته‌اند، اتخاذ می‌کنیم و این تاحدودی می‌تواند، به‌دلیل غلبه روزافزون گروه‌ها بر زندگی ما باشد.

نخستین فصل از بخش نخست کتاب به این مبحث اختصاص یافته است. کتاب در ۵۶۹ صفحه، سه بخش و هشت فصل نوشته شده است. نویسنده در بخش نخست پیش‌زنینۀ تاریخی دُزِستان و نظریه‌هایی را که منتج به شکل‌گیری این مفهوم شده‌اند، در دو فصل بررسی می‌کند.

**فصل اول** به بازاندیشی مفهوم دژستان سیاسی در طول تاریخ اختصاص یافته است که پیشتر ذکر آن رفت و نظریه‌های مربوط به روان‌شناسی گروه و جمعیت را در ارتباط با دژستان مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده در این بخش از کتاب بر اهمیت دو پیام عمده جورج اورول در آثارش تأکید می‌کند؛ نخست ضرورت گفتگوی میان تاریخ و ادبیات که کلیز نیز در کتاب خویش آن را بسیار مورد توجه قرار داده و دوم مضمونی که اورول در رمان‌های خویش به آن می‌پردازد و آن نقش تهدیدآمیزی است که گروه می‌تواند، برای فرد در پی داشته باشد. مسأله گروه یکی دیگر از مشابههای آرمان‌شهر و دژستان است. هم آرمان‌شهر و هم دژستان از گروه‌های همگنی تشکیل شده‌اند که در آن‌ها ارتباط نزدیکی میان اعضا برقرار است و هر گروه وحدت و همبستگی خاصی را به نمایش می‌گذارد. روان‌شناسی جمعی یا گروهی برای کاوش در چنین زمینه‌ای شکل گرفته است. وقتی افراد احساس بودن در جمع می‌کنند، ترس‌هایی را که براثر تهدیدات محیطی احساس کرده‌اند، به شکل متفاوتی بروز می‌دهند و هرچه شمار افراد گروه بیشتر باشد، احساسات افراد شدت بیشتری پیدا می‌کند. هراس گروهی زمانی شکل می‌گیرد که تهدیدها افزایش یابد. گاه در چنین موقعیتی در هر بافتار اجتماعی، روابط قدرت وارد بازی می‌شود و در پی کسب منفعت از چنین هراس جمعی ای برمی‌آید. این امر مخصوصاً در مواردی صدق می‌کند که دشمن وجود دارد یا اگر ندارد، خلق می‌شود. از همین‌رو ترس سیاسی زمانی شکل می‌گیرد که «مردم احساس کنند رفاه جمعی‌شان در معرض آسیب قرار گرفته» است. وجود دشمنان واقعی در این زمینه بسیار کارا و مؤثر است. تاکنون یهودیان، مسلمانان، سیاهپوستان، زنان و بیگانگان همگی این نقش را ایفا کرده‌اند، اما بهترین دشمن در این مورد، دشمن خیالی است. نفرت از دشمن خیالی، اعصابی گروه را با یکدیگر متعدد می‌کند؛ اتحادی که حاصل نفرت از دیگری همراه با عشق به گروه خودی است، هرچند عملکرد گروه‌ها تا حد زیادی با یکدیگر متفاوت است.

گروه اصطلاحی نسبتاً خنثی است که اجتماعی اغلب بی‌ضرر را توصیف می‌کند که نیازهای روزمره ما از جمله نیاز به فعالیت اجتماعی، امنیت و امراض معاش را برآورده می‌سازد. با این حال، گاهی پاره‌ای از گروه‌های ناسازگار و ویرانگر نیز سر برمه آورند که گوستاو لوبون<sup>۱۶</sup>، فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی به توصیف آن‌ها پرداخته است. مثلاً دوره «وحشت»<sup>۱۷</sup> (۱۹۷۴-۴) که در طول انقلاب فرانسه به عنوان عصر پایه‌گذاری یکی از الگوهای خودکامگی مدرن شناخته می‌شود، حاصل کنشگری سیاسی توده‌ها بود. در نظر بسیاری از مفسران سیاسی توده می‌تواند به آسانی تبدیل به اوباش شود؛ جمعیتی بی‌منطق، احساساتی و پر خاشگر که به راحتی آلت دست می‌شود و به هیولا‌یی تبدیل می‌گردد که اگر

افسارش رها شود، می‌تواند جامعه را ویران کند. انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ م. آغاز شد و قوع آن همراه بود با شورش جمعیت روسیه‌ای که زمانی منفعل، پذیرا و ترسو بودند و اکنون بیدار شده و آماده انتقام جویی از سرکوبگران خود بودند. از سوی دیگر بدگمانی به اشراف و توطئه‌های شان بورژواهای شهرنشین را نیز مسلح کرد و بهاین ترتیب جویی متشنج را بر فرانسه آن روز مسلط ساخت. لوبون مجموعه‌ای از ویژگی‌های روانی را برای این گروه‌ها برمی‌شمارد؛ از دید او «افراد شاید به تنها ی خردمند و متفکر باشند، اما تودها به نیاکان بدوي خود می‌مانند. قدرت ناآگاهانه‌شان تخریبگر است، چون آن‌ها صرفاً مجموعه‌ای از افراد نیستند، بلکه حلا «ذهنی اشتراکی»‌اند که در آن «احساسات و عقاید تمامی اشخاص عضو هم‌جهت و هم‌راستا می‌گردد و شخصیت واحد تک‌تک افراد محو می‌شود». بنابراین قانون روان‌شنختی وحدت ذهنی جمعیت، قانونی است که از دیدگاه لوبون بر روح جمعی جمعیت حاکم است. این ذهن اشتراکی قضاوت افراد را تضعیف می‌کند و احکام برآمده از آگاهی تک‌تک افراد را معلق می‌گذارد. این ویژگی‌ها طی فرایندی شبیه هیپنوتیسم به تمامی افراد گروه سرایت می‌کند و افراد از طریق این تلقین‌پذیری به وضعیتی می‌رسند که از تمام فرمان‌ها و توصیه‌های گرداننده اصلی تبعیت می‌کنند و اعمالی را انجام می‌دهند که کاملاً با عادات و شخصیت آن‌ها مغایر است. در اینجا رهبران کاربزماتیک<sup>۱۸</sup> نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند. همان‌طور که پیداست، با اولین نشانه‌های پدیده‌ای مواجهیم که موضوع فصل دوم است و آن «دین سکولار» و نقش آن در شکل‌گیری تمامیت‌خواهی است. لوبون معتقد است، ژاکوبن‌های<sup>۱۹</sup> عصر «وحشت»، از نظر مذهبی در اصل همچون کاتولیک‌های عصر تفتیش عقاید بودند، از این لحاظ که جمعیت جنایت‌کاری را شکل دادند که حدود ۱۵۰۰ زندانی آریستوکرات را در سال ۱۷۹۲ م. به قتل رسانند. از این‌رو او مثلاً سوسيالیسم را شکل جدیدی از دین می‌داند که از خاکستر دینی کهنه‌تر برخاسته است. به همین ترتیب نویسنده در ادامه به معرفی و بررسی آراء سایر اندیشمندان نظیر زیگموند فروید<sup>۲۰</sup> و نوربرت الیاس<sup>۲۱</sup> در زمینه روان‌شناسی گروه، توهه و جمعیت می‌پردازد.

در بخش دوم فصل نخست، نقش هیولاها یعنی نمادهای ازلی شر در شکل‌گیری مکان‌های شر و ساکنان شریر آن‌ها در ارتباط با جامعه انسانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مقوله که بحثی است مربوط به دوره پیش از تاریخ اندیشه شر در دُزستان، به شیطان در مسیحیت به عنوان قدرتمندترین شکل هیولاوارگی در تمام دوران اختصاص یافته که از وجود او به طور مجازی در ایداء و شکنجه ملحدان، یهودیان و جادوگران استفاده می‌شد. بر اساس آن‌چه در کتاب ارائه شده است، بخش عمده مکانیسم آزار و شکنجه که در بخش نخست

کتاب شرح آن رفت، مبتنی است بر مطرود کردن گروههای «دشمن» و ترسیم آن‌ها به مثابه «دیگری»<sup>۱</sup> که اساساً با ما متفاوت است. این فرایند بر پایه ترس کهن‌تری بنا شده و آن عبارت است از ترس از یک «دیگری» هیولاوار. هیولاها در سرزمین‌های ناشناخته سکونت داشتند. در قعر جنگل‌های تاریک و پر از گرگ اروپا، در کمین ترس ما از تاریکی نشسته بودند. گاهی تصور می‌شد که این موجودات غیرمادی در میان ما زندگی می‌کنند و گاه به اندازه دهکده‌ای دورافتاده با ما فاصله دارند. شدت هیولاواری‌شان با میزان فاصله‌شان از ما نسبتی مستقیم داشت. سکونت گاههای آن‌ها معرف دژستان اصیلی بود که ترس بر آن حکم‌فرما بود. البته لزومی هم نداشت که از ما چندان دور باشند؛ مثلاً در دوران سلطنت شاه آرتور (سدۀ‌های پنجم و ششم میلادی) مردم ویلز جنوبی<sup>۲</sup>، سرزمین‌های ویلز شمالی<sup>۳</sup> را سکونت گاه پریان می‌دانستند و آن مکان را منزلگاه غول‌ها، هیولاها، جادوگران و سایر موجودات جادویی به حساب می‌آوردند. به اعتقاد نویسنده با ظهور مسیحیت هیولاها نیز نظم و سامانی به خود گرفتند و تحت رهبری شیطان، این بزرگترین هیولاها، مکان خیالی دوزخ را پر کردند. به‌این‌ترتیب در این بخش به‌طور مفصل هیولاها می‌جود در فرهنگ اقوام مختلف اروپا مورد بحث قرار گرفته‌اند؛ از سیکلوب<sup>۴</sup>، هیولا یک‌چشم هومر<sup>۵</sup> گرفته تا هیولاها می‌جود در قصه‌های پریان و از خون‌آشام‌ها گرفته تا دو هیولا عهد عتیق، بهیموت<sup>۶</sup> و لویاتان<sup>۷</sup> (که هر دو بعدها از سوی توماس هابز<sup>۸</sup> به عنوان مظاهر استبداد سیاسی مطرح شدند). نویسنده در ادامه اشاره می‌کند که هرچند در دوران روش‌نگری، دیو خرافات با شمشیر علم از میان برداشته شد، با این حال هیولاها به قامت انسان درآمدند و کاملاً از میان نرفتند. از میان الگوهای هیولاوارگی و دژستان مدرن که در این دوران پدید آمدند، سه الگو از دیگران برتر بودند: فرانکنشتاین یا پرومئوس مدرن<sup>۹</sup>، اثر ماری شلی<sup>۱۰</sup> (۱۸۱۸)، دکتر جکیل و آقای هاید<sup>۱۱</sup>، نوشته رابرت لویی استیونسن<sup>۱۲</sup> (۱۸۸۶) و دراکولا<sup>۱۳</sup>، اثر برام استوکر<sup>۱۴</sup> (۱۸۹۷). تعدادی از این هیولاها در یک ویزگی با هم شریک بودند و آن این بود که نیمه‌انسان - نیمه‌حیوان بودند. پیش از این در ابتدای سده هفدهم رنه دکارت<sup>۱۵</sup> حیوانات و انسان‌ها را چیزی جز یک ماشین پیچیده نمی‌دانست. ماشینی که بعدها در کتاب ماری شلی با پیوند زدن اندام مردگان به یکدیگر به دست یک دانشمند دیوانه ساخته شد و از کنترل خارج گردید. این هیولا که گاه دیو یا شریر خوانده می‌شد، بی‌گناه خلق شده بود، اما جامعه او را فاسد کرده بود.

چنین بود که ترس کهن از هیولاها در مدرنیته صورت‌های دیگری به خود گرفت و از نو پدیدار شد که یک نمونه آن ترس از تصوری است که ما از روبات‌ها داریم. امروزه به جای مدوسا<sup>۱۶</sup> که با خیرگی نگاهش مردان

را به سنگ بدل می‌کرد، گودزیلا<sup>۳۷</sup> و کینگ کونگ<sup>۳۸</sup> داریم. به جای هیولاهاي نیمه‌انسان - نیمه‌حیوان، انسان‌های شبهماشین یا ماشین‌های شبه‌انسان حیات، هستی و هویت ما را تهدید می‌کنند و تمامی این موجودات به نسبت شمار و قدرت‌شان دژستانی‌اند.

در ادامه این فصل شاهدیم که چگونه شیطان با ظهور مسیحیت در مقام پادشاه دژستان پیشروی پیروزمندانه خود را آغاز می‌کند. شیطان که در تورات نقش اندکی داشت، در انجیل از نقش عمدت‌های برخوردار می‌شود. او در قلمرو پادشاهی اش، دوزخ که کهن‌الگوی اصلی دژستان محسوب می‌شود، با قدرت فراوان فرمانروایی می‌کند و با جسارت و زیرکی بسیار به درونی ترین زوایای ذهن آدمی نفوذ می‌کند و خلاقانه خود را به هر فرمی بدل می‌سازد. پیش از این او خود را به شکل اژدها پدیدار ساخته بود. حال با گذشت قرن‌ها قدرتی بسی بیش از هیولاهاي ماقبل خود به دست می‌آورد و حالا به لطف کلیسا و با برخورداری از اعتبار رقیبی چون خداوند، پایه‌گذار و پادشاه همیشگی دژستان شناخته می‌شود. او که بر اساس اسطوره آفرینش در مسیحیت، ابتداماری در باغ عدن بود و موفق شد، کاری کند تا آدم و حوا به زمین رانده شوند، در ادامه حیات خویش، خصوصاً در قرون وسطی و سرآغاز دوره مدرن در اروپا به موقفیت‌های بیشتری دست می‌یابد. نویسنده در ابتدای این بخش مروری می‌کند بر تاریخچه همتایان شیطان در سایر ادیان و آیین‌ها؛ مثلاً از انگرهمئنو یا اهریمن در دین زرتشتی به عنوان نخستین نمونه شخصیت‌بخشی محض به نیروی شر در تاریخ اشاره می‌شود.

هدف نویسنده در این بخش این بوده است که اجتماعی ترین جنبه‌های نقشی را که شیطان به مثابة بلاگردان در قالب تعدادی از گروه‌های اروپای مسیحی به شکل یهودیان، ملحدان و جادوگران بازی می‌کند، شرح دهد. بر این اساس نویسنده نشان می‌دهد که چطور در قرون وسطی طیف وسیعی از نارضایتی‌های انسان‌ها به شیطان نسبت داده می‌شود و چگونه شیطان در هنر، داستان‌پردازی و مراسم این دوره نقش برجسته‌ای پیدا می‌کند. در این عصر شیطان مدام در کار و سوسه است؛ او حتی قدیسان را هم می‌فربند و به صورتی نیمه‌انسان - نیمه‌حیوان به معماری و طراحی این دوران نیز راه می‌یابد که می‌توان در ناوادان‌های جانورشکل و اژدهاسان<sup>۳۹</sup> ساختمان‌های این دوران آن را سراغ گرفت. هرچه از سده یازدهم میلادی به سوی سده چهاردهم پیش می‌رویم، شیطان مدام قدرمندتر می‌شود و حتی دست او را می‌توان در مرگ سیاه (طاعون) بزرگی که باعث مرگ بیش از یک‌سوم جمعیت آن زمان اروپا (۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹م) شد، در کار دید. بهمین ترتیب تعدادی از بلایا مانند قحطی، تغییرات آب و هوای خشک‌سالی که نمی‌شد دلایل عقلی برای

## ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۸ و ۷  
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۲۶۶

بروزشان جُست، به گناه و درنتیجه به شیطان نسبت داده می‌شد. بنابراین شیطان در نظر بسیاری از مردم از خدا یا مسیح «واقعی‌تر» بود و الحاد نقش حیاتی‌ای در پیشرفت شیطان ایفا کرد. خداباوران با معرفی ملحدان در نقش یاوران و هم‌بیمانان شیطان قدرت زمینی او را پرزنگ‌تر کردند. کلیسا‌ای که در حال قدرت گرفتن بود، هرگونه مخالفتی را به الحاد منسوب می‌کرد. جادوگری که شامل اموری چون طلسمن کردن، زخم زدن به دیگران یا ایجاد تغییراتی در آب و هوا می‌شد نیز از آن‌جا که اغلب به خدایان پیش از مسیحیت منتسب بود، از جمله امور ضد دین به حساب آمد. از سوی دیگر به تصویر کشیدن یهودیان همچون کارگزاران شیطان در اروپای قرون وسطی رواج یافت. یهودیان به تدریج کثیف و منبع آلودگی دانسته شدند و حتی عامل شیوع بیماری‌های مسری نظیر طاعون به حساب آمدند. کار به جایی رسید که در سال ۱۳۴۸م. یهودیان محکوم شدند که آب آشامیدنی شهر را مسموم کرده‌اند و در سال ۱۳۴۹م. تمامی یهودیان استراسبورگ که بالغ بر دو هزار تن می‌شدند، در آتش سوزانده شدند. ازان‌جاكه گناه اولیه در مسیحیت به حوا نسبت داده می‌شود و حوا عامل فریب‌خوردن و رانده‌شدن آدم از بهشت دانسته می‌شود، زن‌ستیزی در این دین حضور برجسته‌ای دارد. درنتیجه در نظر گرفتن زنان به عنوان کارگزاران شیطان و نسبت دادن جادوگری و ساحری به آنان چندان عجیب نیست. تاجایی که این تصور که زنان شب‌ها می‌توانند به پرواز درآیند یا خود را به شکل حیوانات در بیاوردند، در فاصله سال‌های ۱۴۵۰م. و ۱۵۲۵م. توسط کلیسا پذیرفته شده بود. بر اساس تحقیقات صورت گرفته در زمینه محکمه جادوگران در اروپا در طول سه سده، حدود نود هزار جادوگر محکمه شدند که از این میان چهل و پنج هزار اعدام به وقوع پیوست. در دوران تفتیش عقاید نیز سرکوب و خونزیزی هم‌چنان ادامه یافت. اوایل سده هجدهم بود که جادوگری را دیوانگی دانستند و بشر به دیدگاه کمابیش عقل‌گرای امروزی خود رسید.

برخورداری از قدرت اهربیمنی که در سده هفدهم به نقطه اوج خود رسیده بود، امروزه نیز از سوی کلیسا‌ای کاتولیک به رسمیت شناخته می‌شود. ترس از قدرت شیطان - که از قرون چهاردهم تا هفدهم میلادی بر سرتاسر اروپا حاکم بود و در توجیه نظام سرکوبگری که قرن‌ها بر اروپا حاکم بود - از آن بهره گرفته می‌شد، جای خود را به ذهنیتی داد که نظامهای مستبد سده بیستم به کمک آن امکان بروز یافتد. بنابراین هر چند ترس از جادوگران و شیطان در بسیاری از کشورها به دست فراموشی سپرده شده‌است، ترس از هیولا به طور مجازی هنوز در سرها چرخ می‌خورد. گویی نمی‌توانیم و نمی‌خواهیم خود را از آن خلاص کنیم. نویسنده در فصول بعدی نشان می‌دهد که این ترس در دوران معاصر به چه شکل‌هایی جهش پیدا کرده‌است.

## اویات و هنر

سال دوم، شماره ۷ و ۸  
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۲۶۷

در بخش دوم کتاب از دزستان به مثابه آرمان‌شهر تحقیق‌نیافته و ناکام نظام‌های خودکامه سده بیستم یاد می‌شود. نویسنده در این فصل به منظور ترسیم تصویر دقیق‌تری از نظام‌های تمامیت‌خواهانه<sup>۴۰</sup> به واکاوی انقلاب کبیر فرانسه، ظهور استالینیسم و تبعات آن و نیز شکل‌گیری حزب نازی در آلمان، نظام سیاسی چین و کامبوج تحت حاکمیت پال پات<sup>۴۱</sup> می‌پردازد. از دید او دزستان هم در تاریخ و هم در ادبیات غالباً با تراژدی‌های مصیبت‌بار حاصل سلطه نظام‌های خودکامه سده بیستم یکی دانسته می‌شود. در این سده در اردوگاه‌های مرگ و زندان‌های آلمان و روسیه میلیون‌ها نفر به‌ظرزی خشونت‌بار به قتل رسیدند. ازین‌رو آثار روایی و تاریخی بسیاری در این عصر پدید آمدند تا شرح دهنده که چگونه بشر توانست، تا این حد به راه خطأ و اشتباه برود و چگونه خواهد توانست، از رخدادن چنین بلایابی در آینده بپرهیزد. تا زمانی که با این تاریخ روبرو نشویم، نمی‌توانیم حقیقتاً به چیستی دزستان (یا درواقع آرمان‌شهر) پی‌بریم. یکی از نمونه‌های درخشنان آن آثار الکساندر سولزهیتسین<sup>۴۲</sup>، نویسنده روس است.

نویسنده کتاب دزستان در این فصل می‌کوشد، به بیان این نکته بپردازد که چگونه نظام‌هایی که خودکامه خوانده می‌شوند، از «ترس» بهره گرفتند تا قدرت خود را ایجاد کرده و آن را اعمال کنند و چگونه این ترس به افراط گرایید و به چنین قدرت ویرانگری دست یافت. وی برای دستیابی به این منظور در این فصل به توصیف تعدادی از این نظام‌ها می‌پردازد که در آن‌ها کشتار جمعی در طیف وسیعی به وقوع پیوست. از جمله نظام‌هایی که در این کتاب از آن‌ها یاد می‌شود، عبارتنداز: استالینیسم، نازیسم با اردوگاه‌های مرگش در آشوبیتس و حکومت پال پات در کامبوج در فاصله سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۷۹ م. تا ۱۹۷۹ م. خودکامگی مدرن<sup>۴۳</sup> که با اصطلاح تمامیت‌خواهی<sup>۴۴</sup> از آن یاد می‌شود، اصطلاحی بود که در سال ۱۹۲۸ م. ابداع شد تا حاکمیت مسلط بر ایتالیای تحت سلطه بنیتو موسولینی<sup>۴۵</sup> را توصیف کند. موسولینی که خود خواننده پروپاگاند آثار لوبون بود، صاحب حکومتی بود فراگیر که خارج از آن هیچ ارزش انسانی یا معنوی امکان موجودیت نداشت. پیتر دراکر<sup>۴۶</sup> در کتابی که در سال ۱۹۳۹ م. منتشر کرد، بر این باور بود که ناکامی راسیونالیسم مارکسیستی سکولار موجب بازگشت «شیاطین نازیسم» شد. این امر با بحرانی معنوی نیز همراه شده بود و آن «نامیدی توده‌ها» از تمامی تفکرات و ایدئولوژی‌های سنتی‌ای بود که اکنون ورشکسته تلقی می‌شدند.

کمی بعدتر اصطلاح تمامیت‌خواهی در سال ۱۹۴۰ م. درمورد آلمان نازی نیز به کار گرفته شد. با پایان یافتن جنگ دوم جهانی دو اثر بسیار تأثیرگذار منتشر شد. یکی راهی به سوی نظام ارباب و رعیتی<sup>۴۷</sup> (۱۹۴۴ م.) بود که در

## ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۸ و ۹  
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۲۶۸

آن نویسنده کتاب، فردیش فون هایک<sup>۴۸</sup> هشدار داده بود که تمامی آشکار برنامه‌ریزی و سوسیالیسمی که به «نظام اشتراکی» پهلو بزند، همچون تهدیدی برای فردیت‌گرایی محسوب می‌شود و می‌تواند موجب افول آن گردد و راه را بر تمامیت‌خواهی بگشاید. به اعتقاد او فاشیسم و کمونیسم هر دو «محصول تمایلاتی همسان» بودند. کارل پوپر<sup>۴۹</sup> نیز در کتابش، جامعه باز و دشمنان آن<sup>۵۰</sup> (۱۹۴۵) سابقه ذهنیت تمامیت‌خواهانه را به افلاطون رسانده بود و از هگل و مارکس به عنوان دشمنان دموکراسی لیبرال یاد کرده بود. به این ترتیب تحقیق و پژوهش در این زمینه در خلال جنگ سرد نیز همچنان ادامه یافت و پس از دهه ۱۹۶۰م. همگام با رشدی که در زمینه مطالعات تمامیت‌خواهانه صورت گرفت و با انتشار روزنوشت‌ها و خاطرات افراد و نیز آثار سولژنتسین و سایر تاریخ‌نگاران و بعدتر در دهه ۱۹۹۰م. با روش‌den آرشیوهای مربوط به دوران شوروی، مقیاس جنایات استالین و میزان نفوذ ترس در زندگی روزمره مردم آشکار گردید. به‌زودی روشن شد که شمار مرگ‌ومیری که در نظام‌های مارکسیستی لینینیستی تحت سلطه افرادی نظیر استالین و مائوتستونگ<sup>۵۱</sup> صورت گرفته، از شمار جنایات هیتلر درمی‌گذرد. در اینجا چیزی که برای کلیز از اهمیت زیادی برخوردار است، فقط تعداد کشته‌شدگان یا نحوه کشته شدن آن‌ها نیست، هرچند که این امر خود موضوع بسیار مهمی است. او در پی آن است که دریابد، هریک از این نظام‌ها تا چه میزان توانسته‌اند، در دل مردمان ترس بی‌غایبی‌ند. بر این اساس، از دید او و بر اساس مطالعاتی که اخیراً صورت گرفته، ترس و وحشتی که استالینیسم در زندگی خصوصی مردم تحت سلطه خود ایجاد کرده بود، از ترس و وحشتی که رژیم هیتلر در مردم تحت سلطه نازی‌ها ایجاد کرد، نفوذ و گستره بیشتری داشت.

وی همچنین با مطالعات خود می‌خواهد بداند که هریک از این نظام‌ها که درستان دانسته می‌شوند، رؤیای دستیابی به چه آرمان‌شهری را در سر می‌پرورانده‌اند که چنین به شکست انجامیده‌است. او برای فهم این موضوع ابتدا به انقلاب کبیر فرانسه رو می‌کند. انقلاب فرانسه که در سال ۱۷۸۹م. به وقوع پیوست، از بسیاری ویژگی‌های آرمان‌شهری برخوردار بود. مساوات طلبی افراطی و جست‌وجوی نوعی انقلابیگری نوین از آن جمله بود و در نظر بسیاری از مردم ایده دستیابی به حقوق برابر انسان‌ها که از اهداف آن انقلاب بود، نماد میل آتشین همگانی به آزادی‌ای بود که در آن برده‌داری، مجازات مرگ، نظام ارباب و رعیتی و سایر انواع وحشیگری به لطف نظام نوین عدالت، آزادی و برابری به کنار رانده می‌شد، اما وقتی در این نظام جدید، گیوتین (که به آن «تیغ ملی» می‌گفتند) جای گردن زدن با شمشیر را گرفت، آشکار شد که این آرمان‌شهر از آن‌چه پیشتر تصور می‌شد، ناخوشایندتر است و شاید به اسپارت

## اویات و هنر

سال دوم، شماره ۷ و ۸  
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۲۶۹

شبیه‌تر باشد تا آن تخیلات پر شور و جذبه‌ای که تصویرش می‌رفت. وقتی قدرت به دست گروه کوچکی از انقلابیون یعنی ژاکوبین‌ها افتاد، ورق به کلی برگشت. ژاکوبین‌ها با آن همه خوزیری که در طول یازده ماه در فرانسه به راه آنداختند، «نوشندگان خون»<sup>۵۲</sup> نام گرفتند. عده‌ای همچون ادموند برک<sup>۵۳</sup> معتقدند که ژاکوبینیسم ناگزیر به بشویسم منجر شد. از دید او «حکومت و حشت» یازده ماهه ژاکوبین‌ها که از ۱۷۹۳ م. تا ۱۷۹۴ م. به طول انجامید، پیش‌درآمدی بر بشویسم سده بیستم بود. بشویک‌ها هم همانند ژاکوبین‌ها گروه کوچکی بودند با دشمنان بسیار. البته از دید تعدادی از پژوهشگران این دو علی‌رغم شباهت‌های بسیار از یک جنس نبودند. درست است که در سال ۱۷۸۹ م. نیز مردم فرانسه به اشراف به چشم دشمن می‌نگریستند و در نظر تعدادی از افراد، مردم شامل فقیرترین و بی‌چیزترین افراد می‌شد. از دید مارکس نیز «طبقه کارگر» با ارزش‌ترین گروه اجتماعی به شمار می‌آمد و بوزوازی مظہر مصرف‌گرایی و سرکوب بود.

روبسپیر<sup>۵۴</sup> در مقاله‌ای که به روسو<sup>۵۵</sup> تقدیم کرده، می‌نویسد: «مردم نمی‌تواند اشتباه کند، انگیزه‌اش همیشه ناب و خالص است، فقط به خیر همگانی عشق می‌ورزد، چراکه منفعت مردمان در خیر همگانی است. صدای مردم صدای خداست. اراده مردم همواره نیکوست. مردمان همواره با فضیلت‌اند» (صفحه ۱۲۰ کتاب). با این ترتیب برای اثبات نیکی مردمان باید دشمنی موجود باشد که بتوان صفات بد را به او نسبت داد و با شکنجه و آزارش فضیلت خویشن را اثبات کرد. ما هرچه بیشتر خواهان فضیلت باشیم، باید خشونت بیشتری به کار بگیریم.

کلیز در ادامه به انقلاب بشویکی ۱۹۱۷ م. روسیه می‌پردازد. او در این جا نیز بررسی می‌کند که محقق شدن یا نشدن چه ایده‌آل‌هایی در ترسیم و تجسم بخشیدن به یک آرمان‌شهر از اتحاد جماهیر شوروی یک دُزستان ساخت. همان‌طور که پیشتر گفتیم، بوزوازی بود که داغ دشمنی خورد و طبقه پرولتاریا خودی تلقی گردید.

کلیز در ادامه این فصل به‌طور مفصل و با جزئیات وضعیت حاکم بر اتحاد جماهیر شوروی را از ابتدای شکل‌گیری آن تا پایان شرح می‌دهد. از روند بازداشت، بازجویی، محاکمه و زندانی شدن مخالفان این نظام گرفته تا بررسی و تحلیل ذهنیتی که کل این روند بر اساس آن شکل گرفته بود، یاد می‌کند. از اردوگاه‌هایی که زندانیان به آن‌ها اعزام می‌شدند تا محکومیت خود را در آن بگذرانند، اما محکوم شدن به حبس در این اردوگاه‌ها به دلیل شرایط غیرانسانی‌شان، بی‌شباهت به محکوم شدن به مرگ نبود. نویسنده در فصل چهارم یعنی دومین فصل از این بخش به بررسی و تحلیل

همین الگوی تمامیت‌خواهانه در آلمان تحت سلطه حزب نازی، سپس کامبوج تحت حکومت پال پات می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که هرچند نازیسم و استالینیسم هر دو نظام‌هایی تمامیت‌خواه تلقی می‌شوند، با این حال از بسیاری جهات با یکدیگر متفاوت بودند.

اما بحث از رمان دُزستانی موضوعی است که نویسنده در بخش سوم کتاب - که یک‌سوم از حجم کتاب را به خود اختصاص داده - به آن می‌پردازد. در این بخش چیزی در حدود بیش از دویست دُزستان ادبی که در فاصله سال‌های ۱۸۱۰م. تا ۲۰۱۰م. نگاشته شده‌اند، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است و بیشتر تکیه بر مضامین و اندیشه‌های است تا صورت و فرم ادبی.

در حالی که هدف عمده بخش اعظمی از ادبیات سرگرمی است، داستان دُزستانی اغلب مقصودی والاتر را دنبال می‌کند. پرسش این است که ادبیاتی تخیلی که وضعیت‌های هولناک یا مصیبت‌بار را فرافکنی می‌کند، قادر به انجام چه کاری است که رساله‌های سیاسی یا روایت‌های تاریخی از انجام آن عاجزند؟ پاسخ را شاید بتوان در گفته‌ای از توماس مور یافت که به طرزی ماهرانه در شرح کاربرد داستان گفته‌است: «حقیقت در ذهن مردمان اندکی دلپذیرتر فرو خواهد شد، اگر با عسل آغشته‌اش سازیم» (صفحه ۲۶۹ کتاب).

ادبیات در سطحی فردی و عاطفی تجربیاتی را به ما منتقل می‌کند که همان تجربیات وقتی در گمنامی روایت‌های تاریخی محو می‌شوند، معنی خود را از دست می‌دهند. بر اساس نقل قولی که به استالین نسبت می‌دهند، مرگ یک نفر تراژدی است، اما مرگ یک میلیون نفر آمار است (همان). بنابراین رمان آن طور که مارگارت اتوود<sup>۵۶</sup> تأکید می‌کند، «همیشه درباره یک فرد است، یا چندین فرد و هرگز داستان یک توده کلی نیست» (همان). بنابراین ادبیات دُزستانی اغلب درباره افراد مستقل و معقولی است که در میان توده‌های لوبونی گم شده‌اند. داستان برخلاف تاریخ اغلب اجازه می‌دهد، بی‌وقفه در زمان پیش‌وپس برویم و قوانین روایت خطی و نظم‌یافته را بشکنیم و به هر سو که بخواهیم، سرک بکشیم. این کیفیت نوعی سرزنندگی و بی‌واسطگی به ادبیات می‌بخشد که تاریخ غالباً از آن بی‌بهره است.

رمان‌های دُزستانی آینده‌هایی خیال‌انگیزند که امور در آن‌ها غالباً به بیراهه رفته و گاهی به راه‌های برون‌رفت نیز اشاره شده‌است. اغلب در آن‌ها شورش‌هایی فردی یا گروهی علیه نظام اشتراکی صورت می‌گیرد. همان‌طور که گاهی گریز از مخصوصهای خطرناک نظیر جنگ‌های هسته‌ای یا زوال زیست‌محیطی روی می‌دهد. این شورش‌ها معمولاً ترسیم‌گر ارزش‌هایی است که نویسنده آرزو می‌کند خواننده آن‌ها را به رسمیت بشناسد. این ارزش‌ها غالباً به شکلی فraigیر «لیبرال» یا «اومنیستی» و بیانگر دلهره‌ای عمیق درخصوص

## اویات و هنر

سال دوم، شماره ۷ و ۸  
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۲۷۱

دو رخداد مشخص‌اند؛ نخست جنبش‌های انقلابی که در اروپا و هرجای دیگر از جهان روی داد و برخلاف آن‌چه می‌نمود، موجد استبدادی نوین و بسی ترسناک‌تر از آن‌هایی بود که قول سرنگونی اش را داده بود. دوم همان سرچشم‌های خوش‌بینی، پیشرفت علم و تکنولوژی که پیشتر از میانه سده نوزدهم مایه می‌گرفت و حالا چهره ژانوسی خود را نمایان ساخته، با تهدید ویرانی و بربریت جدید یا ویرانگری‌ای سنگدلاوه همراه شده بود و در عین حال همزمان وعده رشد و خوشبختی می‌داد. بنابراین تمدن اکنون به مثابة چیزی است که همان قدر که قادر به پیشرفت است، قدرت انحطاط نیز دارد. جنگ جهانی اول به حد کافی توأم است، صحت نخستین ترس را به روشنی عیان سازد. جنگ جهانی دوم نیز مصدق دومین ترس بود. ظاهراً مدرنیته فناورانه و دشمنانش هر دو علیه انسانیت با یکدیگر تبانی کردۀ‌اند و سرمایه‌داری، کارخانه‌ها، نظام اشتراکی و بردگی نوینی را به ارمغان آورده‌اند. سوسياليسیم نیز چنین کرده‌است. ادبیات دُزستانی آشکارا در پی تجسم‌بخشی به این آینده‌های خطیر است و همزمان به دنبال پیشنهاد جایگزینی برای آن‌ها.

نویسنده در این بخش از کتاب در کنار آثار نویسنده‌گان نامدار و شناخته‌شده‌ای همچون آلدوس هاکسلی و جرج اورول - که به طور عمده معرف این ژانر در میانه سده بیستم بودند و فصول ششم و هفتم این کتاب تنها به آن‌ها اختصاص یافته - به حدود صد و پنجاه متن دیگر نیز می‌پردازد که شاید تاکنون در جای دیگری مورد بحث و بررسی قرار نگرفته باشند. نویسنده همچنین خلاصه پیرنگ پاره‌ای از این آثار را که چندان شناخته‌شده نیستند و شاید دستیابی به آن‌ها دشوار باشد، ارائه کرده‌است.

فصل پنجم آثاری را که در تحلیل و بررسی دُزستان‌های ادبی از دهه ۱۹۵۰م. تاکنون نوشته شده‌است، به ترتیب زمانی معرفی می‌کند و فصل پایانی کتاب به حدود پنجاه متن می‌پردازد که از دهه ۱۹۵۰م. تاکنون در رشد و گسترش این ژانر دخیل بوده‌اند.

نویسنده اشاره می‌کند که نخستین دُزستان‌های ادبی از زمان انقلاب کبیر فرانسه پدیدار شدند، اما تاریخ آغاز این ژانر را باید از دهه ۱۸۷۰م. دانست. هرچند تأکید کلیز عمده‌ای بر روایت‌های دُزستانی بریتانیایی و امریکایی است، اشاره‌ای به سایر آثاری که در این زمینه پدید آمدۀ‌اند نیز می‌کند و معتقد است که هنوز بررسی تطبیقی جدی‌ای در این زمینه صورت نگرفته‌است. او همچنین بیان می‌دارد که تا ابتدای دهه ۱۹۳۰م. این ژانر از موفقیت زیادی بهره‌مند شده بود.

کلیز در مقدمه این بخش اشاره کرده‌است که باید میان ادبیاتی که به بلایای طبیعی، آخرالزمان<sup>۵۷</sup> و فاجعه می‌پردازد و ادبیات دُزستانی تمایز قائل شویم،

زیرا بسیاری از مواردی که به آن‌ها اشاره شد، گونه‌های متنوعی از هزاره‌گرایی و اعتقاد به بازگشت مسیح‌اند<sup>۵۸</sup>، درحالی که در رمان‌های دژستانی ممکن است، ماجراهی داستان پیش یا پس از آخرالزمان روی دهد. وجه اساسی‌ای که رمان‌های دژستانی را همچون رمان‌های آرمان‌شهری ویژه‌می‌سازد، ترسیم روابط اجتماعی و سیاسی است. دژستان‌ها نظام‌هایی را به تصویر می‌کشند که مشخصه اساسی‌شان رنج مفرط، ترس و سرکوب است. در طول این بخش، نویسنده به این وحشت «واقع‌گرایانه» می‌پردازد و ظلم و ستمی را مردم که در این رمان‌ها در حق مردمان دیگر روا می‌دارند، ترسیم می‌کند. بنابراین پیداست که باید میان رمان دژستانی و ادبیات علمی‌تخیلی تمایز قائل شویم تا بتوانیم به ویژگی‌های رمان دژستانی پی ببریم. همین‌طور باید به این نکته توجه کرد که دژستان‌ها گاهی به مثابه ضدآرمان‌شهر<sup>۵۹</sup> یا پادآرمان‌شهر<sup>۶۰</sup> عمل می‌کنند.

کلیز در نتیجه‌گیری بخش سوم اظهار می‌دارد که اکنون که از پیشینه رمان دژستانی نزدیک به دو سده می‌گذرد، می‌توان بیشتر به تحلیل وضعیت آن پرداخت. این ژانر ادبی ابتدا در دامان طنز متولد شد. از بهترین نمونه‌های اولیه آن می‌توان به طنزی دو صفحه‌ای نوشته تامس پین<sup>۶۱</sup> اشاره کرد که در سال ۱۷۹۲م. با عنوان حقوق انسان، سفری به جزیره برابری<sup>۶۲</sup> منتشر شد و شاید نخستین دژستان ادبی انگلیسی‌زبان از نوع مدرن باشد که در آن زوالی را که بر اثر انقلاب رخ می‌دهد، به سخره گرفته است و یا ولگرد<sup>۶۳</sup> (۱۷۹۹) نوشته جرج واکر<sup>۶۴</sup> که رمانی بلند از همین دست است. با رشد و توسعه ماشین و غلبه آن بر تمامی وجوده زندگی بشر تا سال ۱۹۰۰م. این موضوع همراه با مسئله پیشرفت‌های علمی به مضمون اساسی ژانر تبدیل شد. در فاصله سال‌های ۱۹۱۷م. تا ۱۹۵۰م. کابوس تمامیت‌خواهی بلشویسم و فاشیسم نویسنده‌گان این ژانر را به خود جلب کرد. بهترین نمونه‌های آن را می‌توان در اثر آلدوس هاکسلی و جرج اورول یافت و از ۱۹۵۰م. تاکنون جنگ هسته‌ای، ازدیاد جمعیت، خطر سلطه علمی و فناورانه نوع بشر و تغییرات آب و هوایی به مضمون اصلی این ژانر بدل گشته است.

گریگوری کلیز درنهایت کتاب را با بیان این نکته به پایان می‌رساند که همان‌طور که تاریخ طبیعی دژستان با یک آخرالزمان استعاری آغاز شد و آن داستان نوح بود؛ خداوند شرارت‌های انسان‌های آن عصر را با عذاب طوفان پاسخ گفت و تنها نوح، خانواده‌اش و تعدادی از حیوانات را نجات بخشید تا پس از فرونشستن طوفان زندگی از سر گیرند، ظاهراً زندگی نوع بشر بر زمین نیز قرار است با طوفان پایان یابد؛ اما این بار طوفانی که بشر خود با ایجاد دژستان‌های متعدد مسبب آن است. این دژستان‌ها به دست تجاوزگر بشر بر

روی زمین شکل گرفته و طوفانی به راه خواهد انداخت که نسل بشر را در کام خود فرو خواهد برد. هرچند آخرالزمان آغازین، برای تصحیح رفتار بشر رخ داد تا او را از نظر اخلاقی تأدیب کند، ایمانش را به مرتبه یقین برساند و او را به راه آورد، آخرالزمان پایانی فاجعه‌ای حقیقی است که شاید باعث نابودی تمامی مردمان شود و این بار نه نوح نجات‌مان خواهد داد و نه خداوند به فریاد نوح خواهد رسید.

فصلنامه‌نقدکتاب

## اویات و هنر

سال دوم، شماره ۷ و ۸  
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۲۷۳

در پایان اشاره به این نکته ضروری است که هرچند نگارنده کوشیده‌است، مهم‌ترین نکات و سرفصل‌ها را از قلم نیندازد، معرفی کتابی با این حد از فراگیری و اشتمال بر جزئیات فراوان در محدوده‌ای شش هزار کلمه‌ای مجالی بیش از این می‌طلبید و این مختصر به هیچ روی حق مطلب را به درستی ادا نخواهد کرد. با این حال نگارنده امیدوار است با همین مجال اندک، خوانندگان را به مطالعه این کتاب دقیق و جامع در شرح دُزستان راغب کرده باشد.

### پی‌نوشت

1. Gregory Claeys
2. www.OxfordScholarship.com
3. Utopianism
4. Lyman Tower Sargent
5. North American Society for Utopian Studies
6. Utopian Studies Society
7. The City of the Sun
8. Tommaso Campanella
9. Sir Thomas More
10. Dystopian Novel
11. George Orwell
12. Brave New World
13. Aldous Huxley
14. Ruth Levitas
15. Auschwitz
16. Gustave Le Bon
17. Terror
18. Charismatic
19. Jacobins
20. Sigmund Freud
21. Norbert Elias
22. South Wales
23. North Wales
24. Cyclope
25. Homer
26. Behemoth
27. Leviathan
28. Thomas Hobbes
29. Frankenstein or The Modern Prometheus
30. Mary Shelley
31. Dr. Jekyll and Mr. Hyde
32. Robert Louis Stevenson
33. Dracula
34. Bram Stoker
35. Rene Descartes
36. Medusa
37. Godzilla
38. King Kong

- |                                      |   |
|--------------------------------------|---|
| 39. Gargoyle                         | 53. Edmund Burke                                    |
| 40. Totalitarian                     | 54. Robespierre                                     |
| 41. Pol Pot                          | 55. Rousseau  |
| 42. Alexander Solzhenitsyn           | 56. Margaret Atwood                                 |
| 43. Modern Despotism                 | 57. Apocalypse                                      |
| 44. Totalitarianism                  | 58. Millenarianism                                  |
| 45. Benito Mussolini                 | 59. Anti-utopia                                     |
| 46. Peter Drucker                    | 60. Counter- utopia                                 |
| 47. The Road to Serfdom              | 61. Thomas Paine                                    |
| 48. Friedrich von Hayek              | 62. Rights of Man, A Trip to the Island of Equality |
| 49. Karl Popper                      | 63. Vagabond  |
| 50. The Open Society and Its Enemies | 64. George Walker                                   |
| 51. Mao Zedong                       |   |
| 52. Buveurs du sang                  |   |

فصلنامه نقد کتاب

## ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۸ و ۹  
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۲۷۴